

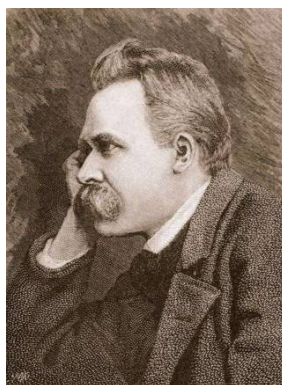


زرتشت پاک

زرتشت و نیچه فیلسوف فرهنگ

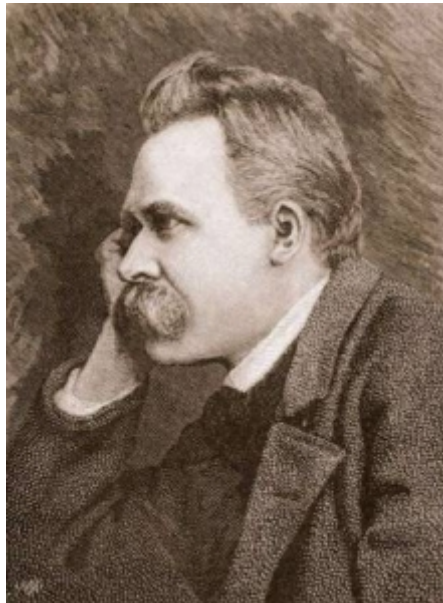
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۹ آذر ۱۳۹۲ - ۵ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

فریدریش نیچه مقدمه یکی از سوالاتی که همیشه در ذهن خوانندگان نیچه، مخصوصاً ما ایرانیان نقش بسته انتخاب نام «زرتشت» پیامبر نیک اندیش ایرانی برای بزرگترین و جاودانه ترین اثرش است. اما براساس «زرتشت نیچه» کیست؟ «داریوش آشوری» مترجم بزرگ آثار نیچه، نیچه را «فیلسوف فرهنگ» نامیده است. زیرا درگیری اصلی اندیشه‌ی او با پیدایش و پرورش و دگرگونی‌های تاریخی فرهنگ‌های بشری ست، به‌ویژه نظام‌های اخلاقی‌شان. تحلیل‌های باریک‌بینانه‌ی درخشان او از فرهنگ‌های باستانی، قرون وسطایی، و مدرن اروپا،



فریدریش نیچه

مقدمه

یکی از سوالاتی که همیشه در ذهن خوانندگان نیچه، مخصوصاً ما ایرانیان نقش بسته انتخاب نام «زرتشت» پیامبر نیک اندیش ایرانی برای بزرگترین و جاودانه ترین اثرش است. اما براستی «زرتشت نیچه» کیست؟

«داریوش آشوری» مترجم بزرگ آثار نیچه، نیچه را «فیلسوف فرهنگ» نامیده است. زیرا درگیری اصلی اندیشه‌ی او با پیدایش و پرورش و دگرگونی‌های تاریخی فرهنگ‌های بشری ست، به‌ویژه نظام‌های اخلاقی‌شان. تحلیل‌های باریک‌بینانه‌ی درخشان او از فرهنگ‌های باستانی، قرون وسطایی، و مدرن اروپا، و دیدگاه‌های سنجشگرانه‌ی او نسبت به آن‌ها گواه دانشوری درخشان او و چالاک‌ی اندیشه‌ی او به عنوان فیلسوف تاریخ و فرهنگ است. اگرچه چشم نیچه دوخته به تاریخ و فرهنگ اروپا ست و دانشوری او در اساس در این زمینه است، اما از فرهنگ‌های باستانی آسیایی، به‌ویژه چین و هند و ایران، نیز بی‌خبر نیست و به آن‌ها فراوان اشاره دارد، به‌ویژه در مقام همسنجی فرهنگ‌ها. او بارها از 'خرد' آسیایی در برابر عقل‌باوری مدرن ستایش می‌کند.

...

دل‌بستگی نیچه به ایران و ستایش فرهنگ باستانی آن را در گزینش نام زرتشت به عنوان پیام‌آور فلسفه‌ی خود می‌توان دید و نیز نهادن نام وی بر کتابی که آن را مهم‌ترین اثر خود می‌شمرد، یعنی چنین گفت زرتشت. نیچه توجه خاصی به تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی نشان نمی‌دهد، اگرچه گاهی نامی از مسلمانان می‌برد و دست کم یک بار از حشاشون با ستایش یاد می‌کند. در یادداشت‌های او یک‌بار نامی از سعدی دیده می‌شود با نقل نکته‌پردازی‌ای از او؛ اما نام حافظ را چندین بار می‌برد و در باره‌ی شعر و ذهنیت او سخن می‌گوید.[1]

زرتشت نیچه کیست؟ سخن خویش را در باب زرتشت نیچه با گزین گوئی ای از خود این فیلسوف آغاز می‌نمایم: « برای درک زرتشت من شاید باید دارای صلاحیتی مشابه من بود – داشتن يك پا فراسوي زندگي...» برای درک گونه او (زرتشت) ابتدا باید ذهن روشنی درباره ی پیش فرض فیزیولوژیک آن داشت: همان که خود نیچه آن را «تندرستی عظیم» می‌نامد.

نیچه این ادراک را بهتر یا شخصی تر از آنچه در یکی از آخرین بخش های کتاب پنجم « حکمت شادان» آورده، تشریح می‌کند. نیچه در زندگینامه خود نوشت خود به نام « آنک انسان» که روحیات خود را در آن ترسیم می‌کند، با همان ابهام و لحن پراستعاره ای که ما خوب به آن آشنا هستیم!!! به تشریح کامل زرتشت پرداخته است: « کسی از من نپرسیده است! خوب بود پرسیده بودند که در زبان من که نخستین مخالف اخلاق هستم، یعنی نخستین پرده در و نخستین مخالف پندارهای اخلاقی پیشینیان، نام زرتشت، یعنی چه؟ مگر آنچه یگانه نشان این مرد ایرانی است این نیست که نخستین کسی است که جنابانده واقعی جهان را جنگ میان خوب و بد می‌داند؟ مگر او نبود که اخلاق و روحیه و سلوک آدمی را به جهانی آن سوي این جهان محول ساخت؟ مگر او به اندیشه هایی از قبیل نیرو و قدرت و علت و هدف نرسید و اینها را پایه آنچه آدمی می‌کند ندانست؟ تو که خود مخالف وی هستی، تو خود که سخنی دیگر گویی!» لیکن در همین پرسش برآستی جواب پرسنده مندرج است،

نیچه گوید: «آری زرتشت بود که این پندار شوم آفرید، یعنی پنداری از اخلاق پیدا کرد، پس همو باید نخستین کسی باشد که این اشتباه را دریابد. مقصود این نیست که تجربه بسیاری لازم است تا اینکه آدمی به چنین اشتباهی پی برد! خیر، جریان تاریخ خود سراسر خلف تجربی این نظر نادرست است که جهان را «نظامی اخلاقی» می‌داند! خیر، جهان انسان و جهان فرهنگ، پایه اش بر اخلاق و سازمان آن نیست. برعکس، پایه های آن بر اساس نیرو و قدرت است. تعیین اخلاق، یعنی تعیین خوبی و بدی، با شخص زورمند و پیروز و کامکار است.

برآستی زرتشت بیش از هر اندیشه گر دیگری راستی جو و راستگو بوده است. تعالیم او تنها راستگویی را برترین فضیلت دانسته نه پرهیزکاری، نه تحمل، نه ضعف را. واقعا فضیلت وی مخالف پستی و بزدلی «ایده آلیست» هاست که از برابر جهان واقع می‌گریزند. زرتشت یکنه بیش از همه اندیشه گران جهان دلاوری در دل داشته. ببینید پارسیان چه می‌گفتند: راست گو و راست تیر انداز! (به فرزندان خود تیراندازی بیاموزید و راستگویی) این است فضیلت پارسی. اکنون دریاب که از کی پسروی آغاز شد، هنگامی که راستی از زبان پارسی و تیر و کمان از دست او بیفتاد! خلاف آنچه روش و راه بردگی هموار می‌کند، راستی است که زرتشت آورد، رستن از اخلاق یعنی پریدن از فراز دره هولناکی که در زندگی آدمی به وجود آورده اند! من خود همین پرشم(پرشین). حکمت من چنین پرشی است. چنین است معنی زرتشت در زبان من!»

برگرفته از: مقاله «زرتشت، نیچه و ایران» نوشته داریوش آشوری.

برای دوستاران این مقاله ،یک مرور و بررسی 4 بخشی از کتاب (چنین گفت زرتشت) از وبلاگ (انسانی بسیار

انسانی) + به صورت پی دی اف آماده کرده ایم:

گفتارهای زرتشت؛ تفسیر بخش اول چنین گفت زرتشت: (برای دریافت اینجا را بفشارید)

گفتارهای زرتشت - بخش دوم: (توان خواهی): (برای دریافت اینجا را بفشارید)

گفتارهای زرتشت - بخش سوم (بازگشت جاودان): (برای دریافت اینجا را بفشارید)

گفتارهای زرتشت - بخش چهارم (انسان برتر و ابرنسان): (برای دریافت اینجا را بفشارید)

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «زرتشت و نیچه فیلسوف فرهنگ»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1419/pdf/زرتشت-نیچه.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹